

مَثَلُ نَاطِرِ خَائِنٍ

¹ و به شاگردان خود نیز گفت: شخصی دولتمند را ناظری بود که از او نزد وی شکایت بردند که اموال او را تلف می‌کرد. ² پس او را طلب نموده، وی را گفت: این چیست که درباره تو شنیده‌ام؟ حساب نظارت خود را باز بده زیرا ممکن نیست که بعد از این نظارت کنی. ³ ناظر با خود گفت: چه کنم زیرا مولایم نظارت را از من می‌گیرد؟ طاقت زمین کردن ندارم و از گدایی نیز عار دارم. ⁴ دانستم چه کنم تا وقتی که از نظارت معزول شوم، مرا به خانه خود بپذیرند. ⁵ پس هر یکی از بدهکاران آقای خود را طلبیده، به یکی گفت: آقا، تو چند طلب دارد؟ ⁶ گفت: صد رطل روغن. بدو گفت: سیاهه خود را بگیر و نشسته پنجاه رطل بزودی بنویس. ⁷ باز دیگری را گفت: از تو چقدر طلب دارد؟ گفت: صد کیل گندم. وی را گفت: سیاهه خود را بگیر و هشتاد بنویس. ⁸ پس آفایش، ناظر خائن را آفرین گفت، زیرا عاقلانه کار کرد. زیرا ابنای این جهان در طبقه خویش از ابنای نور عاقلتر هستند. ⁹ و من شما را می‌گویم: دوستان از مال بی‌انصافی برای خود پیدا کنید تا چون فانی گردید شما را به خیمه‌های جاودانی بپذیرند. ¹⁰ آنکه در اندک امین باشد در امر بزرگ نیز امین بود و آنکه در قلیل خائن بود در کثیر هم خائن باشد. ¹¹ و هرگاه در مال بی‌انصافی امین نبودید، کیست که مال حقیقی را به شما بسپارد؟ ¹² و اگر در مال دیگری دیانت نکردید، کیست که مال خاص شما را به شما دهد؟ ¹³ هیچ خادم نمی‌تواند دو آقا را خدمت کند. زیرا یا از یکی نفرت می‌کند و با دیگری محبت، یا با یکی می‌پیوندد و دیگری را حقیر می‌شمارد. خدا و مامون را نمی‌توانید خدمت نمایید.

عشق پول و تورات

¹⁴ و فریسیانی که زر دوست بودند همه این سخنان را شنیده، او را استهزا نمودند. ¹⁵ به ایشان گفت: شما هستید که خود را پیش مردم عادل می‌نمایید، لیکن خدا عارف دلهای شماست. زیرا که آنچه نزد انسان مرغوب است، نزد خدا مکروه است.

¹⁶ تورات و انبیا تا به یحیی بود و از آن وقت بشارت به ملکوت خدا داده می‌شود و هر کس به جد و جهد داخل آن می‌گردد. ¹⁷ لیکن آسانتر است که آسمان و زمین زایل شود، از آنکه یک نقطه از تورات ساقط

مثل الوکیل المبدّر

¹ وَقَالَ أَيْضًا لِتَلَامِيذِهِ: كَانَ إِنْسَانٌ غَنِيٌّ لَهُ وَكِيلٌ قَوْنِييٌّ بِهِ إِلَيْهِ بِأَنَّهُ يُدِيرُ أُمُورَهُ. ² قَدَعَاهُ وَقَالَ لَهُ: مَا هَذَا الَّذِي أَسْمَعُ عَنْكَ؟ أَعْطَى حِسَابَ وَكَالَتِكَ لِأَنَّكَ لَا تَقْدِرُ أَنْ تَكُونَ وَكِيلًا بَعْدُ؟ ³ فَقَالَ الْوَكِيلُ فِي نَفْسِهِ: مَاذَا أَفْعَلُ؟ لِأَنَّ سَيِّدِي يَأْخُذُ مِنِّي الْوَكَالَةَ. لَسْتُ أَسْتَطِيعُ أَنْ أَتُفَبِّ وَأَسْتَحْيِي أَنْ أَسْتَعْطِي. ⁴ قَدْ عَلِمْتُ مَاذَا أَفْعَلُ، حَتَّى إِذَا عُرِلْتُ عَنِ الْوَكَالَةِ يَقْبَلُونِي فِي بُيُوتِهِمْ. ⁵ قَدَعَا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْ مَدْبُونِي سَيِّدِي، وَقَالَ لِلْأَوَّلِ: كَمْ عَلَيْكَ لِسَيِّدِي؟ ⁶ فَقَالَ: مِئَةُ بَتٍّ رَيْتُ. فَقَالَ لَهُ: خُذْ صَكَكَ وَاجْلِسْ عَاجِلًا وَاكْتُبْ حَمْسِينَ. ⁷ ثُمَّ قَالَ لِآخَرَ: وَأَنْتَ كَمْ عَلَيْكَ؟ فَقَالَ: مِئَةُ كُرٍّ قَمْحٍ. فَقَالَ لَهُ: خُذْ صَكَكَ وَاكْتُبْ ثَمَانِينَ. ⁸ قَمَدَحَ السَّيِّدُ وَكِيلَ الظُّلَمِ إِذْ يَحْكِمُهُ فَعَلٌ، لِأَنَّ أُنْبَاءَ هَذَا الدَّهْرِ أَحْكَمُ مِنْ أُنْبَاءِ النُّورِ فِيهِ جِلْهَمٌ. ⁹ وَأَنَا أَقُولُ لَكُمْ: اصْنَعُوا لَكُمْ أَصْدِقَاءَ بِمَالِ الظُّلَمِ حَتَّى إِذَا فَنِيْتُمْ يَقْبَلُونَكُمْ فِي الْمَطَالِ الْأَبَدِيِّ. ¹⁰ الْأَمِينُ فِي الْقَلِيلِ أَمِينٌ أَيْضًا فِي الْكَثِيرِ، وَالظَّالِمُ فِي الْقَلِيلِ ظَالِمٌ أَيْضًا فِي الْكَثِيرِ. ¹¹ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا أَمَنَاءَ فِي مَالِ الظُّلَمِ، فَمَنْ يَأْمَنُكُمْ عَلَى الْحَقِّ؟ ¹² وَإِنْ لَمْ تَكُونُوا أَمَنَاءَ فِي مَا هُوَ لِلْغَيْرِ، فَمَنْ يُعْطِيكُمْ مَا هُوَ لَكُمْ؟ ¹³ لَا تَقْدِرُ خَادِمٌ أَنْ يَخْدِمَ سَيِّدَيْنِ، لَأَنَّهُ إِمَّا أَنْ يُغِصَّ الْوَاحِدَ وَيُجِبَّ الْآخَرَ أَوْ يُلَازِمَ الْوَاحِدَ وَيَخْتَفِرَ الْآخَرَ، لَا تَقْدِرُونَ أَنْ تَخْدُمُوا اللَّهَ وَالْمَالَ.

الثاموس ومحبة المال

¹⁴ وَكَانَ الْقَرَسِيُّونَ أَيْضًا يَسْمَعُونَ هَذَا كُلَّهُ، وَهُمْ مُجِبُّونَ لِلْمَالِ، فَاسْتَهْزَؤُوا بِهِ. ¹⁵ فَقَالَ لَهُمْ: أَنْتُمْ الَّذِينَ تُبْزَرُونَ أَنْفُسَكُمْ قُدَّامَ النَّاسِ، وَلَكِنَّ اللَّهَ يَعْرِفُ قُلُوبَكُمْ، إِنَّ الْمُسْتَغْلِيَّ عِنْدَ النَّاسِ هُوَ رَجَسٌ قُدَّامَ اللَّهِ. ¹⁶ كَانَ الثَّامُوسُ وَالْأَنْبِيَاءُ إِلَى يُوْحَنَّا، وَمِنْ ذَلِكَ الْوَقْتِ يُبَشِّرُ بِمَلَكُوتِ اللَّهِ وَكُلُّ وَاحِدٍ يَتَّعِصِبُ نَفْسَهُ إِلَيْهِ. ¹⁷ وَلَكِنَّ زَوَالَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَيْسَرُ مِنْ أَنْ تَسْقُطَ نُقْطَةٌ وَاحِدَةٌ مِنَ الثَّامُوسِ. ¹⁸ كُلُّ مَنْ يُطْلِقُ امْرَأَتَهُ وَيَتَزَوَّجُ بِآخَرَى يَزْنِي، وَكُلُّ مَنْ يَتَزَوَّجُ بِمُطَلَّقَةٍ مِنْ رَجُلٍ يَزْنِي.

مثل العني ولعازر المسكين

¹⁹ كَانَ إِنْسَانٌ غَنِيٌّ وَكَانَ يَلْبَسُ الْأَرْجُوانَ وَالْبَرَّ وَهُوَ يَتَعَمَّرُ كُلَّ يَوْمٍ مُتَرَفِّهًا. ²⁰ وَكَانَ مِسْكِينٌ، اسْمُهُ لِعَازَرُ، الَّذِي طَرِحَ عِنْدَ بَابِهِ مَضْرُوبًا بِالْفَرْجِ، وَتَشْتَهِي أَنْ

گردد.¹⁸ هر که زن خود را طلاق دهد و دیگری را نکاح کند زانی بُود و هر که زن مطلقه مردی را به نکاح خویش درآورد، زنا کرده باشد.

شخصی دولتمند و ایلعازر فقیر

¹⁹ شخصی دولتمند بود که ارغوان و کتان می‌پوشید و هر روزه در عیاشی با جلال بسر می‌برد.²⁰ و فقیری مقروح بود ایلعازر نام که او را بر درگاه او می‌گذاشتند،²¹ و آرزو می‌داشت که از پاره‌هایی که از خوان آن دولتمند می‌ریخت، خود را سیر کند. بلکه سگان نیز آمده زبان بر زخمهای او میمالیدند.²² باری آن فقیر بمرد و فرشتگان، او را به آغوش ابراهیم بردند و آن دولتمند نیز مرد و او را دفن کردند.²³ پس چشمان خود را در عالم اموات گشوده، خود را در عذاب یافت، و ابراهیم را از دور و ایلعازر را در آغوشش دید.²⁴ آنگاه به آواز بلند گفت: ای پدر من ابراهیم، بر من ترجم فرما و ایلعازر را بفرست تا سر انگشت خود را به آب تر ساخته زبان مرا خنک سازد، زیرا در این نار معدّیم.²⁵ ابراهیم گفت: ای فرزند، به‌خاطر آور که تو در ایّام زندگانی چیزهای نیکوی خود را یافتی و همچنین ایلعازر چیزهای بد را، لیکن او الحال در تسلی است و تو در عذاب.²⁶ و علاوه بر این، در میان ما و شما ورطه عظیمی است، چنانچه آنانی که می‌خواهند از اینجا به نزد شما عبور کنند، نمی‌توانند و نه نشینندگان آنجا نزد ما توانند گذشت.²⁷ گفت: ای پدر، به تو التماس دارم که او را به خانه پدرم بفرستی.²⁸ زیرا که مرا پنج برادر است تا ایشان را آگاه سازد، مبادا ایشان نیز به این مکان عذاب بیایند.²⁹ ابراهیم وی را گفت: موسی و انبیا را دارند؛ سخن ایشان را بشنوند.³⁰ گفت: نه ای پدر ما ابراهیم، لیکن اگر کسی از مُردگان نزد ایشان رود، توبه خواهند کرد.³¹ وی را گفت: هرگاه موسی و انبیا را نشنوند، اگر کسی از مردگان نیز برخیزد، هدایت نخواهند پذیرفت.

يَشْتَع مِنَ الْفُتَاتِ السَّافِطِ مِنْ مَائِدَةِ الْعَنِيِّ، بَلْ كَانَتْ الْكِلَابُ تَأْتِي وَتَلْحَسُ فُرُوجَهُ.²² قَمَاتِ الْمِسْكِينُ وَحَمَلَتْهُ الصَّلَايِكُهُ إِلَى حِصْنِ إِبْرَاهِيمَ. وَمَاتِ الْعَنِيُّ أَيْضاً وَدُفِنَ،²³ فَفَرَعَ عَيْنَيْهِ فِي الْجَحِيمِ وَهُوَ فِي الْعَذَابِ وَرَأَى إِبْرَاهِيمَ مِنْ بَعِيدٍ وَلِعَازَرَ فِي حِصْنِهِ.²⁴ فَتَادَى وَقَالَ: يَا أَبِي إِبْرَاهِيمَ، ارْحَمْنِي وَأَرْسِلْ لِعَازَرَ لِيُبَلِّ طَرَفَ إصْبَعِهِ يَمَاءً وَيُبْرِدَ لِسَانِي لِأَنِّي مُعَذَّبٌ فِي هَذَا اللَّهَبِ.²⁵ فَقَالَ إِبْرَاهِيمُ: يَا ابْنِي، أَذْكَرُ أَنَّكَ اسْتَوْفَيْتَ حَيَاتَكَ فِي حَيَاتِكَ وَكَذَلِكَ لِعَازَرُ الْبَلَايَا، وَالْآنَ هُوَ يَتَعَرَّى وَأَنْتَ يَتَعَذَّبُ.²⁶ وَفَوْقَ هَذَا كُلِّهِ بَيْتَا وَبَيْنَكُمُ هُوَّةٌ عَظِيمَةٌ قَدْ أُثْبِتَتْ حَتَّى إِنَّ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْغُبُورَ مِنْ هَهُنَا إِلَيْكُمْ لَا يَقْدِرُونَ وَلَا الَّذِينَ مِنْ هُنَاكَ يَجْتَاوِرُونَ إِلَيْنَا.²⁷ فَقَالَ: أَسْأَلُكَ إِذَا، يَا أَبَتِ، أَنْ تُرْسِلَهُ إِلَى بَيْتِ أَبِي،²⁸ لِأَنَّ لِي خَمْسَةَ إِخْوَةٍ، حَتَّى يَشْهَدَ لَهُمْ لِكَيْلَا يَأْتُوا هُمْ أَيْضاً إِلَى مَوْضِعِ الْعَذَابِ هَذَا.²⁹ قَالَ لَهُ إِبْرَاهِيمُ: عِنْدَهُمْ مُوسَى وَالْأَنْبِيَاءُ، لِيَسْمَعُوا مِنْهُمْ.³⁰ فَقَالَ: لَا، يَا أَبِي إِبْرَاهِيمَ، بَلْ إِذَا مَضَى إِلَيْهِمْ وَاجِدُ مِنَ الْأَمْوَاتِ يَتُوبُونَ.³¹ فَقَالَ لَهُ: إِنَّ كَانُوا لَا يَسْمَعُونَ مِنْ مُوسَى وَالْأَنْبِيَاءِ وَلَا إِنْ قَامَ وَاحِدٌ مِنَ الْأَمْوَاتِ يُصَدِّقُونَ.